

ابراهیم حقیقی می گوید: وقتی همگی در یک مملکت زندگی می کنیم اگر با همدیگر خوشحال باشیم، تک تک افراد هم خوشحال خواهند بود.

جمع خوانی

دورانی که کرونا بر ما غلبه کرده.

وظیفه اصلی رؤیا و خواب دیدن تسکین روح آدمی است. علاوه بر اینکه اطلاعاتی به ما می دهند و راهنمایی می کنند، عملکرد اصلی آنها آرامش بخشیدن به روزهای بیداری انسان است و در خواب کلیدهای آرامش را معرفی می کنند که انسان را برای روزهای رنج و سختی آماده کنند.

اولین رؤیای خود را به خاطر دارید؟

رؤیا با آرزو متفاوت است. هیچ کس اولین رؤیایش را به خاطر نمی آورد مگر اینکه به شیوه ای آن را ثبت کرده باشد؛ برای کسی تعریف کرده یا جایی نوشته باشد. معمولاً تا چند روز رؤیاهایمان را به خاطر داریم و می توانیم آن را نقل کنیم و پس از آن به فراموشی می سپاریم. از سویی دیگر می توان گفت که آرزوها متغیرند. آرزوی یک نفر در کودکی با یک نفر در بزرگسالی متفاوت است. وقتی من کودک هستم آرزوی داشتن یک توپ فوتبال را دارم یا عروسکی که در دست کودکی دیگر دیده ام؛ وقتی کمی بزرگ تر می شوم جعبه مداد رنگی و بعد در بزرگسالی می خواهم یک اتومبیل بزرگ داشته باشم. ریشه این تغییر آرزو از دانسته ها، دیده ها و تجربه های آدم ها می آید. یک کودک تجربه چندانی ندارد و دانسته های او در حدی است که از محیط اطرافش گرفته و با همان ها مغزش پُر شده. این بزرگ تر شدن رؤیا و آرزو را تا وقتی که فرد بالغ نشده نمی توان به کمال گرایی ربط داد. وقتی انسان کودک است، فقط زندگی خالص می کند و چیزهای بهتر می خواهد. اگر سردش باشد گرما می خواهد، اگر لباس کهنه داشته باشد لباس قشنگ تر می خواهد و اینها صرفاً در بزرگسالی آرزوی انسان ها نیست و بحث اشتراکات اجتماعی به میان می آید. ممکن است آرزویی را برای تمام افراد جامعه بخواهد و مشاهده می کنیم که سطح دغدغه ها و آرزوها روز به روز گسترده تر می شود.

آرزوی این روزهای شما چیست؟

قطعاً آرزوی خوشحالی مردم را دارم. وقتی همگی در یک مملکت زندگی می کنیم اگر با همدیگر خوشحال باشیم، تک تک افراد هم خوشحال خواهند بود.

نظر شما درباره اینکه می گویند آدمی به آرزوهایش زنده است، چیست؟

بله قطعاً همین طور است. اگر آرزوی نیکبختی نباشد به افسردگی پناه می بریم و به نابودی کشانده می شویم و این موضوع بارها دیده و تجربه شده است.

اگر قرار باشد تنها یک آرزوی شما برآورده شود، آن کدام است؟

آرزوی سعادت مندی همگان خصوصاً نسل جوان. برای اینکه آینده این مملکت دست جوانان و تداوم جامعه در خوشحالی آنان است.

ترجیح می دهید یک آرزوی فردی تبدیل به واقعیت شود یا یک آرزوی جمعی؟

قطعاً آرزوی جمعی را ترجیح می دهم، زیرا منافع آن به من هم می رسد اما آرزوی فردی من ممکن است آنقدر حقیر و کوچک باشد که منفعتی برای دیگران نداشته باشد. انسان ها در کنار هم خوشبخت می شوند نه به صورت جدا جدا. ■

هنرمند چه قربانی بارو یا دارد و همنشینی او با رؤیا چگونه و چطور اتفاق می افتد؟

تصور نمی کنم کسی بتواند جوابی برای این سؤال داشته باشد زیرا اتفاقاتی در ذهن هنرمند می افتد که متفاوت با اندیشه و تفکر دیگران است. وقتی هنرمند تفکر می کند و به خلق اثر می پردازد کاملاً متفاوت با افراد دیگر عمل می کند پس قطعاً رؤیا دیدنش منجر به خلق اثر می شود که بستگی به نوع تربیت تفکر او دارد. تصور می کنم از ناخود آگاه برمی خیزد و کسی نمی تواند ادعا کند که می داند چطور این اتفاق می افتد. تجربه خودم این است که در بیشتر مواقع، پس از گذشت یک صبح زود، یک خواب آرام و استراحتی که داشته ام، بعد از بیدار شدن به چیزهایی می پردازم که از ناخود آگاهم برمی خیزد. خواب دیدن در حقیقت بخش اصلی رؤیاست و پس از بیداری، اثر خود را بروز می دهد یا تلاش می کند که بروز دهد و هنرمند رؤیای خود را عملی می کند.

رؤیا به چه بخش هایی تقسیم می شود؟ برای یک هنرمند تفاوت و اشتراک رؤیا، تخیل و آرزو در زمان خلق اثر چیست؟

ابتدا باید تعریفی از این دوارانه دهیم تا به مفهومی مشترک برسیم؛ از جمله تعریفی که فروید و یونگ تبیین کرده و آن را به بخش ناخود آگاه ذهن نسبت داده اند که در خواب آدم ها خودش را بروز می دهد. اگر تعریف رؤیا را بر این اصل بگذاریم، نمی توانیم سراغ خیال برویم. رؤیا و تخیل کاملاً با هم متفاوت اند؛ تخیل یک رفتار فکر شده است. مثلاً من تصمیم گرفته ام بنشینم و راجع به اثری که می خواهم خلق کنم و اتفاقاً از رؤیا برخاسته است، تخیل کنم. بیش از همه، فیلمسازان این گونه اند؛ یعنی تخیل می کنند و بعد تصمیم می گیرند که این خیال را پرو و بال داده و بعد پرواز بدهند و وقتی تخیل به جاهایی می رسد که روحشان را راضی می کند تصمیم به ثبت و نوشتن آن می گیرند. همه هنرمندان این گونه هستند. درباره رؤیا باید گفت بدون آنکه ما در آن دخالتی داشته باشیم خودش را بروز می دهد. رؤیا از ناخود آگاه برمی خیزد و تخیل مربوط به بخش خود آگاه است. رؤیا و تخیل لزوماً به هم وصل نیستند. ممکن است تصمیم گیری از رؤیا شروع شود و به تخیل ختم شود یا می تواند هیچ دخل و تصرفی در تخیل نداشته باشد، اما معمولاً یک هنرمند هنگامی که می خواهد یک نقاشی، فیلم، قطعه موسیقی، مجسمه و... را خلق کند، تخیل هم می کند چون باعث می شود اثر زیبا و دلنشین تری را خلق کند.

آیا می توانیم بگوییم که رؤیای جمعی و رؤیاهای فردی هنرمند از هم جدا هستند؟ اینها در چه فرآیندی برای کسی مثل شما به خلق اثر تبدیل می شود؟

تعبیرات من از کتاب های کارل گوستاو یونگ مانند «انسان و سمبل هایش» یا «تعبیر رؤیا» این است که تقسیم بندی رؤیاهای جمعی و فردی می تواند اتفاق بیفتد. یونگ به رؤیاهایی که از کهن الگوهای بشر برمی خیزد معتقد بود. عادات های دیرینه ای از گذشته هزاران ساله انسان که قطعاً برای زندگی جمعی اش بوده است. وقتی می گوییم جمعی، لزوماً منظورمان، اجتماع امروزی نیست.

رؤیا پردازی تا چه حد تسکین دردهای انسان است؟ خصوصاً در

مسئله ترند و همچنان رؤیاهای کودکان ای دارند. اتفاقاً وقتی بزرگ تر می شویم با واقعیت، بیشتر کنار می آییم و تعداد رؤیاهایمان کوچک تر و کم تر می شوند. جوان که هستی، رؤیاهای بیشتری دارد. مثلاً در شب عروسی فلان لباس خاص را بپوشی، در فلان میهمانی شرکت کنی یا فلان ماشین را بخری و... رؤیا مانند استخوان های بدن است که طی مرور زمان فرم متفاوتی پیدا می کند؛ محکم تر می شود؛ شکل درست تری به خود می گیرد. هر چه بزرگ تر شوی کتاب های بیشتری می خوانی، فیلم های بیشتری می بینی، با آدم های بیشتری آشنا می شوی و زندگی شکل واقعی تری به خود می گیرد. در نتیجه رؤیاهای کم رنگ تر می شود. دلخوشی های امروزی من به این است که صبح را با طلوع آفتاب شروع کنم، بعد از اینکه به کارهایم رسیدم با افراد خانواده ام که خارج از کشور هستند صحبت کنم و وقتم را به دلخواه خودم بگذرانم. بعضی ها می گویند هیچ آرزویی ندارند. به نظر

